

•

نیومی کلاین

سرمایه داری علیه آب و هوا
همه چیز را زیر و رو می کند

ترجمه احمد عزیزی

•

•



فهرست مطالب

۱۳	مقدمه: همه چیز به طریقی دگرگون می شود
۲۳	تکانه مردمی
۳۴	زمان بندی بسیار بد
۴۶	قدرت، نه تنها انرژی
۴۸	ترک «انکار»

بخش یکم: زمان بندی بد

۵۵	۱. حق حق است
۵۵	توان انقلابی تغییر اقلیم
۶۵	واقعياتی باور نکردنی
۷۴	درباره پول
۷۷	برنامه «ب»: پول به جیب زدن به برکت جهانی رو به گرمایش
۸۶	وجه شیر تر انکار
۸۸	تر و خشک کردن محافظه کاران
۹۴	نبرد جهان بینی ها
۱۰۱	۲. پول داغ
۱۰۱	بنیادگرایی بازار آزاد چگونه به گرمای مفرط زمین دامن زد
۱۰۸	بلند شدن تجارت روی دست آب و هوا

۱۱۳	فروری دیوار، اوج‌گیری گازها
۱۱۶	گسل میان تجارت و اقلیم
۱۲۲	معامله چکی: کار ارزان و انرژی ناپاک
۱۲۷	جنبشی که گور خود را می‌کند
۱۳۱	از توسعه جنون‌آمیز تا ثبات شرایط
۱۴۰	قدکشیدن اقتصاد مهرورز و شوررفتن اقتصاد بی‌خیال
۱۴۳	۳. همگانی و حساب‌شده
۱۴۳	چیرگی بر موانع ایدئولوژیک بر سر راه اقتصاد آینده
۱۵۲	بازسازی و بازآفرینی سپهر عمومی
۱۶۱	پرداخت از جیب آلاینده
۱۷۶	۴. برنامه‌ریزی و منع
۱۷۶	پشت دستی به دست ناپیدا، بنیادگذاری یک جنبش
۱۸۳	برنامه‌ریزی برای اشتغال
۱۸۷	برنامه‌ریزی برای انرژی
۱۹۷	درباره معجزه آلمان
۲۰۱	چگونگی «نه» گفتن
۲۱۹	نه «مسئله» که چارچوب
۲۳۰	۵. فراسوی استخراج‌محوری
۲۳۰	مواجهه درونی با منکران تغییر اقلیم
۲۴۲	مرز غایی استخراج‌محوری
۲۵۱	چپ استخراج‌محور
۲۵۸	چند هشدار پشت گوش افتاده

بخش دوم: تفکر جادویی

۲۶۷	۶. میوه، نه ریشه
۲۶۷	همگرایی فاجعه‌بار بنگاه‌های بزرگ و سبزه‌های بزرگ
۲۸۱	عصر طلایی قانون زیست‌محیطی

۲۸۶	بزرگ تند و تیز دهه ۱۹۸۰
۲۸۹	سیاست اقلیمی و بهای تسلیم
۲۹۵	در جست‌وجوی راه برون‌رفت
۲۹۸	فرکینگ و تخریب پل‌های پشت سر
۳۰۴	تبادل آلودگی
۳۲۰	۷. ناجی بی‌ناجی
۳۲۰	میلیاردرهای سبز دستان را نخواهند گرفت
۳۲۴	میلیاردرها و رؤیاهای بربادرفته
۳۳۱	وعده‌ای که جز «نمود و نشانه» ای نبود
۳۴۵	راهبردی برای نظارت‌گریزی
۳۵۴	۸. پایین‌کشیدن فتیله خورشید
۳۵۴	گره‌گشای آلودگی... آلودگی است؟
۳۶۰	گرمايشی هولناک
۳۶۶	چه قدمی احتمالاً کج برداشته خواهد شد؟
۳۷۲	آتش‌فشان‌ها نیز، چون تغییرات آب‌وهوایی، اهل تبعیض‌اند
۳۷۵	تاریخ، هم آموزگار و هم هشدار
۳۸۲	مهندسی زمین و دکترین شوک
۳۸۴	هیولای زمین
۳۸۷	آیا ما واقعاً طرح A را محک زده‌ایم؟
۳۹۲	زمین از چشم فشانوردان

بخش سوم: کشیدن ماشه به هر قیمت

۴۰۳	۹. بلوکادیا
۴۰۳	جنگاوران نوپای میدان اقلیم
۴۰۵	به «بلوکادیا» خوش آمدید
۴۱۸	عملیات تغییرات آب‌وهوایی
۴۲۴	همه در قربانگاه

۴۳۲	خفگی در منطقه دشمن
۴۴۳	عامل بی‌بی‌پی: اعتماد بی‌اعتماد
۴۵۰	آموخته و آبدیده در فاجعه
۴۵۷	بهره احتیاط
۴۵۹	۱۰. این خانه را عشق نجات خواهد داد
۴۵۹	دموکراسی، برد و باخت‌ها، تاکنون
۴۶۷	عشق و آب
۴۷۱	بردهای پیش‌رس
۴۷۸	جنبش واگذاری سرمایه: وداع با فسیل
۴۸۴	بحران دموکراسی
۴۸۷	فراسوی دموکراسی‌هایی فسیل‌شده
۴۹۵	۱۱. شما؟ با کدام سپاه؟
۴۹۵	حقوق بومی و قوت ایستادن بر سر حرفمان
۴۹۹	آخرین خط دفاعی
۵۰۷	زور در برابر حق
۵۱۰	احترام به پیمان‌ها
۵۱۶	بایستگی اخلاقی گزینه‌های اقتصادی
۵۲۰	۱۲. شراکت در آسمان
۵۲۰	مشاعات جوی و توان ادای دیونمان
۵۲۶	آفتابی‌شدن خورشید
۵۳۵	نه فقط واگذاری سرمایه، که بازسرمایه‌گذاری
۵۴۳	از دیون محلی تا جهانی
۵۵۰	تغییر موازنه
۵۵۷	۱۳. حق باززایی
۵۵۷	از استخراج تا نوسازی
۵۶۳	سقط جنین آبی
۵۶۷	کشوری برای مردان پایه‌سن گذاشته

۵۷۱	میراث بی‌بی‌پی و «مشت خالی»
۵۷۵	محو نوزادان در جهانی رو به گرمایش
۵۷۷	زمان آیش
۵۸۵	بازگشت به زندگی
۵۹۵	نتیجه‌گیری: سال‌های جهش
۵۹۵	زمانی فقط بسنده برای ناممکن‌ها
۶۰۵	کار ناتمام آزادسازی
۶۱۴	ناگهان، همه
۶۱۷	یادداشت‌ها

مقدمه

همه چیز به طریقی دگرگون می شود

پیش بینی تغییرات آب و هوایی بیشتر بر این فرض استوار است که اوج گیری دگرگونی های پیش رو — انتشار گازهای گلخانه ای، افزایش دمای هوا و پیامدهایی چون بالا آمدن سطح آب دریاها — به تدریج صورت می گیرد؛ تصاعد حجم معین گاز، سبب افزایش دما و آن هم سبب بالا رفتن تدریجی آب دریاها می شود. در پیشینه های زمین شناختی حوزه آب و هوا اما شواهدی وجود دارند که تغییری نسبتاً جزئی در یکی از اجزا سبب تغییراتی ناگهانی در کل نظام آب و هوایی شده است. به عبارتی، رانش دمای جهان از آستانه هایی معین چه بسا سبب دگرگونی هایی ناگهانی، پیش بینی ناپذیر و بالقوه برگشت ناپذیر باشد و واجد تأثیراتی فراگیر و به شدت مخرب. در این وضعیت، حتی اگر هیچ گاز کربنیک نیز به جو اضافه نکنیم، فرایندهایی بالقوه ایست ناپذیر به جریان می افتد. این امر چنان است که گویی ترمز و فرمان آب و هوا بُرد و امکان مهار پیامدهای آن از دست خارج شود.

از گزارش انجمن امریکایی پیشبرد دانش^۱

بزرگ ترین انجمن جامع علمی در جهان، ۲۰۱۴ (۱)

«من عاشق رایحه گازها هستم».

سارا پالین^۲، ۲۰۱۱ (۲)

1. American Association of Advancement of Science

۲. Sara Palin: سیاست مدار و نویسنده امریکایی، نامزد حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ آمریکا، در کنار سناتور جان مک کین. -م.

به‌کارگیری وسیله‌ای قوی‌تر برای بیرون‌کشیدن هواپیما، اقتصاد جهانی نیز با جابه‌جا کردن منابع متعارف سوخت‌های فسیلی با سوخت‌هایی حتی ناپاک‌تر و خطرناک‌تر صرفاً خرج بیشتری روی دستمان می‌گذارد - استحصال قیر از ماسه‌های قیری آلبرتا^۱، نفت با حفاری در اعماق دریاها، گاز از راه ایجاد شکستگی‌های هیدرولیکی^۲ [فرکینگ]، زغال‌سنگ با انفجار کوه‌ها، و نظایر آن. درعین حال، هر فاجعه توفنده طبیعی خود زاینده نمودهای شگفت و نوپدید آب‌وهوایی است و اتفاقاً با همان صنایعی که بالاترین نقش را در گرمایش آن دارند نامهربان‌تر - نظیر سیلاب‌های بی‌سابقه ۲۰۱۳ در گلگری^۳ [کانادا] که توقف کار ادارات مرکزی شرکت‌های نفتی دست‌اندرکار استخراج ماسه‌های قیری آلبرتا را، در شرایط گیرافتادن قطار حامل محصولات اشتعال‌پذیر نفتی بر لبه پلی در حال فروپاشی، گریزناپذیر ساخت و کارکنان آن‌ها را روانه خانه‌هایشان کرد؛ یا خشکسالی گریبان‌گیر رود می‌سی‌سی‌پی، سالی قبل از آن، که سطح آب آن را تا آن‌جا پایین آورد که شناورهای حامل نفت و زغال‌سنگ ناچار شدند روزها بی‌حرکت، چشم‌به‌راه یگان‌های مهندسی نظامی برای لایروبی گذرگاهی تازه در آن بر جای خود بمانند (این یگان‌ها البته چاره‌ای جز استفاده از منابع مالی مختص بازسازی خرابی‌های سیل بی‌سابقه سال قبل از آن، در همان آبراه، نداشتند!)؛ یا نیروگاه‌هایی با سوخت زغال‌سنگ در دیگر بخش‌های کشور که موقتاً دست از کار کشیدند (به این علت که آبراه‌های مورد استفاده برای خنک‌کردن ماشین‌آلاتشان یا بسیار داغ شده بود، یا اصلاً آبی در آن‌ها نمانده بود، یا هر دو!).

این‌گونه زندگانی توأم با ناهماهنگی شناختی^۴ تنها لحظه‌ای از زندگی ما در این لحظه ناهنجار از تاریخ است که در آن بحرانی که خود، آگاهانه و عامدانه، پشت

صدایی از بلندگو شنیده شد: «مسافران پرواز ۳۹۳۵، واشینگتن دی‌سی به مقصد چارلستون، کارولینای جنوبی، لطفاً با بار همراه‌شان از هواپیما پیاده شوند». مسافران هواپیما با پایین‌رفتن از پلکان و جمع شدن روی باند پرواز، با رخدادی نامعمول مواجه شدند. چرخ‌های هواپیمای جت خطوط یو.اس. ایرویز در سطح سیاه‌رنگ باند، انگار در سیمانی تازه و خیس، فرو رفته بود. گودی زیر چرخ‌ها در حدی بود که ماشین مخصوصی که آمده بود هواپیما را بکسل کند، از پس آن برنیامد. تصور مسئولان هواپیمایی این بود که کم‌کردن وزن سی و پنج مسافر هواپیما را به قدری سبک کند که به راحتی بیرون بیاید، که نکرد. یکی از مسافران از همان‌جا عکسی از این صحنه را با شرحی روی اینترنت گذاشت: «پرواز من چرا لغو شده؟ چون هوای لعنتی واشینگتن این قدر داغ است که هواپیمای ما ۱۰ سانتی متر در کف باند پرواز فرو رفته!» (۳)

هرطور بود با به‌کارگیری وسیله‌ای بزرگ‌تر و قوی‌تر هواپیما را بیرون کشیدند و با تأخیری سه‌ساعته پرواز کرد. سخنگوی خط هوایی نیز «دمای غیرعادی هوا» را عامل این رخداد اعلام کرد. (۴)

دمای هوای در آن روز تابستان ۲۰۱۲ واقعاً به طرزی غیرعادی داغ بود (مثل سال‌های قبل و بعد از آن). در این رخداد اما رمزورازی در کار نبود: مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی؛ دقیقاً همان کاری که خطوط هوایی یو.اس. ایرویز، با همه مشکلات باند در حال ذوب شدن پرواز، قصد آن داشت. تعارض موجود - واقعیت نقش محوری سوزاندن سوخت‌های فسیلی در دگرگون‌سازی آب‌وهوا از سویی، و رودررویی همین آب‌وهوا با حد و ظرفیت ما در سوزاندن سوخت‌های فسیلی از سوی دیگر - نیز مانع دوباره بالارفتن مسافران پرواز ۳۹۳۵ از پلکان هواپیما و ادامه مسیرشان نشد. در بازتاب‌های خبری این رخداد مهم نیز، هیچ اشاره‌ای به تغییرات آب‌وهوایی نبود.

من قصد داوری رفتار این مسافران را ندارم. همه ما، به هر حال، با سبک زندگی به شدت مصرف‌زده‌مان، هرجا که باشیم، به‌نوعی مسافر مجازی پرواز ۳۹۳۵ هستیم. فرهنگ ما، در سایه بحرانی که بقای ما را به مثابه یک «گونه‌ی» [زیستی] تهدید می‌کند، دقیقاً به همان راهی می‌رود که این بحران نیز زاینده آن است - آن هم با صرف نیروی بیشتر و تقلای بالاتر! درست مانند تمهید همان خط هوایی در

1. Alberta

۲. hydraulic fracturing (fracking): فراگرد حفاری زمین و تزریق مایعات در آن - با فشار زیاد - برای شکستن سنگ‌های موسوم به شیل (shale) و آزادکردن گاز طبیعی. به این روش «فرکینگ» نیز گفته می‌شود و در صفحات بعدی برای اشاره به این فراگرد، از اصطلاح «فرکینگ» استفاده خواهد شد. - م.

3. Calgary (Canada)

۴. cognitive dissonance: در دانش روان‌شناسی نوعی ناهنجاری و احساس ناخوشایند ناشی از شرایطی چون ایجاد هم‌زمان دو یا چند دیدگاه، عقیده، ارزش و یا اندیشه‌ای ناساز در فرد. - م.

حق حق است

توان انقلابی تغییر اقلیم

«دانشمندان علوم اقلیمی بر سر مسئله‌ای هم‌داستان‌اند: تغییرات آب‌وهوایی همین‌جا و همین‌ک در حال رخ‌دادن‌اند. حدود ۹۷ درصد از دانشمندان علوم اقلیمی، بنا بر شواهدی متقن، به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات آب‌وهوایی در حال رخ‌دادن‌اند و باعث و بانی آن نیز انسان. ریشهٔ چنین اتفاق نظری نه پژوهشی واحد که نتایجی است همسو و همگرا از شواهد و سوابقی طی دو دههٔ پیشین — مطالعات دانشمندان، بررسی‌های تحلیل محتوا در فرایند ارزیابی هم‌تایان^۱، و بیانیه‌های منتشرشدهٔ سازمان‌هایی متشکل از کنشگران این حوزه».

گزارش انجمن امریکایی ترویج علم، ۲۰۱۴ (۱)

«انجام این کار، فارغ از تغییری بنیانی در زندگانی امریکایی، جز با کشیدن ترمز رشد اقتصادی و برچیدن بخش‌های بزرگی از اقتصادمان ممکن نخواهد بود».

توماس جی. دونوهیو^۲، رئیس اتاق بازرگانی امریکا،

درخصوص کاهش بلندپروازانهٔ کربن (۲)

آقای در ردیف چهارم دست بلند کرده و پرسشی دارد.

خود را ریچارد روچیلد^۳ معرفی کرده و خطاب به جماعت حاضر می‌گوید که

۱. peer review: بررسی و ارزشیابی تخصصی فعالیت یا اثری از دید متخصصان و همکارانی در

همان حوزه. -م.

2. Thomas J. Donohue 3. Richard Rothchild

جواب بعدی را کریس هورنر^۱، عضو ارشد انستیتوی کسب‌وکار رقابتی^۲، می‌دهد که کارش بیشتر مزاحمت‌تراشی برای دانشمندان اقلیمی است - از طریق اقامه دعای دردرساز حقوقی علیه‌شان، احضار و بازپرسی‌های مقدماتی از آن‌ها، و نیز سودجویی از رخنه‌های موجود در قانون آزادی گردش اطلاعات. او ابتدا میکروفون روی میز را جلو دهان خود بالا و پایین کرده و خیلی موزیانه می‌گوید: «البته که می‌شود آن را به حساب آب‌وهوا بگذارید. خیلی‌ها هم همین کار را می‌کنند، که البته باور موجهی نیست!» هورنر با موهای همیشه نقره‌ای‌اش، انگار همزاد اندرسن کوپر^۳، همیشه دوست دارد القاکننده فرهنگ‌ستیزی دهه ۶۰ الینسکی^۴ باشد، «مسئله اصلاً این نیست. خیلی رک و راست، مسئله این است که هیچ جامعه آزادی کاری لازمه دستورالعمل‌های این برنامه را با خود نخواهد کرد... اولین قدم در این کار نیز از سر راه برداشتن آزادی‌های مزاحمی است که همچنان سد راه‌اند.» (۵)

تلقی تغییر آب‌وهوا به منزله توطئه‌ای بر ضد آزادی امریکایی، تقریباً دستاویز همیشگی هارتلند است. در طول این کنفرانس دوازده مقایسه‌هایی میان محیط زیست‌باوری^۵ از سوی، و از سوی دیگر همه نمودهای شاخص کشتار جمعی در تاریخ انسانی صورت می‌گرفت - از دادگاه‌های تفتیش عقاید کاتولیک‌ها گرفته، تا آلمان نازی، تاروسیه ایام استالین. در آن‌جا شنیدم که وعده باراک اوباما در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری دایر بر حمایتش از پالایشگاه‌های محلی سوخت‌های زیستی^۶ دقیقاً با طرح «یک کوره چدن خام»^۷ در حیات خلوت هر خانه متعلق به صدر مائو [در چین] قرابت و خویشی دارد؛ که تغییرات آب‌وهوایی پوششی برای ناسیونال سوسیالیسم [از گونه باورهای نازی] است؛ و این‌که هواداران محیط زیست از جنس همان کشیش‌های قوم آزتک^۸ اند که مواجه با تغییر آب‌وهوا انسان‌هایی بی‌شمار را پای خدایانشان قربانی می‌کردند. (۶)

داوطلب عضویت در شورای محلی ناحیه کرول در مريلند است و دليل آن هم اين‌که سياست‌های مقابله با گرمایش جهانی را در عمل «تهدیدی علیه سرمایه‌داری طبقه میانه امریکایی» می‌داند. سؤال او از شرکت‌کنندگان در میزگرد برگزارشده در هتل ماریوت واشینگتن دی‌سی. این بود: «این جنبش را تا چه حد می‌توان اسب تروا سبز^۱ با شکمی انباشته از نوعی دکترین اجتماعی-اقتصادی سرخ مارکسیستی محسوب کرد.» (۳)

در ششمین کنفرانس بین‌المللی انستیتو هارتلند درباره تغییر آب‌وهوا، در اواخر ژوئن ۲۰۱۱، درواقع مهم‌ترین گردهمایی منکران قسم‌خورده اجماع فراگیر علمی موجود بر سر نقش فعالیت‌های انسانی در گرمایش زمین، این پرسش نیز از تبار همان پرسش‌هایی بود که معمولاً توقع پاسخی برای آن نیست - انگار که در جلسه اعضای بانک مرکزی آلمان از قابل اعتمادبودن یونانی‌ها بپرسیم! با وجود این ظاهراً بنا نبود اعضای میزگرد از فرصت به‌دست‌آمده برای پاسخ مثبت به این پرسش استفاده نکنند.

اولین پاسخ را مارک مورانو^۲، سردبیر سایت خبری ایستگاه آب‌وهوا، وابسته به همین حاشاگران تغییرات اقلیمی داد: «در امریکای امروز ما همقد سربچ دوش حماممان و تا حد لامپ‌های روشنایی مان غرق در مقررات، به تماشای اتومبیل‌های شاسی‌بلند امریکایی مان نشسته‌ایم که در برابر هر دو چشممان در حال جان دادن‌اند!» مورانو در ادامه یادآور شد که سبزه‌ها در ادامه راهشان ما را به جایی می‌برند که در آن «هر زن و هر بچه‌ای در کره خاکی مان سهمیه‌ای از تولید گاز کربنیک داشته باشد و نهادی بین‌المللی نیز دوچشمی مراقب اعمال آن!» (۴)

1. Chris Horner 2. Competitive Enterprise Institute
 ۳. Anderson Cooper: روزنامه‌نگار و مجری مشهور شبکه تلویزیون سی ان ان (CNN). -م.
 ۴. Saul Alinsky (۱۹۷۲-۱۹۰۹): نویسنده امریکایی که معمولاً پیش‌قراول ساماندهی جوامع (community organizing) شناخته می‌شود. ساماندهی جوامع نیز فراگردی است که در آن جماعتی که در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند فعالیت‌هایی همسو با اهدافی مشترک را در چارچوب سازمانی واحد سامان می‌دهند. -م.
 5. environmentalism 6. biofuels 7. pig iron furnace
 ۸. Aztec: قومی در مکزیک مرکزی که در قرون ۱۴ تا ۱۶ می‌زیستند. -م.

۱. Trojan horse: اسب تروا افسانه‌ای است از دوران جنگ تروا که یونانی‌ها در آن به یاری ترفندی برای ورود به شهر تروا پیروز این جنگ شدند. یونانی‌ها در این نبرد در پی محاصره‌ای ده‌ساله با ساختن یک اسب عظیم چوبی و پنهان کردن نیروهای زبده در دل آن، به‌نوعی تظاهر به عقب‌نشینی کردند، درحالی‌که اسب یادشده را در صحنه باقی گذاشتند. جنگاوران تروا نیز بلافاصله این اسب را به نشانه پیروزی خود به داخل دروازه‌های شهر منتقل کردند. با فرارسیدن شب نیروهای یونانی پنهان در شکم اسب از آن بیرون آمده و دروازه‌های شهر را برای ورود هم‌زمانشان باز کردند و به این ترتیب توانستند بر دشمن غلبه کنند. -م.

2. Marc Morano